

## نگرشی بر سیره اجتماعی پیامبر ﷺ

حجت الاسلام والمسلمین حمیدرضا مطهری\*

### اشاره

پیامبر اکرم ﷺ در جامعه‌ای مبعوث شد که از جهات مختلف، به ویژه روابط اجتماعی، با ناکارآمدی فراوانی مواجه بود؛ چنان‌که تعصب قبیله‌ای، رقابت‌های ناصواب، غارت و تجاوز، فقر فرهنگی، فقدان امنیت اجتماعی و نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی و اخلاقی، جامعه را دچار بحران کرده بود. در چنین فضایی، حضرت محمد ﷺ مأموریت یافت تا انسان‌ها را نجات داده و مکارم اخلاقی را جایگزین ارزش‌های جاهلی کند. پیامبر ﷺ با کنار زدن برخی سنت‌های عصر جاهلی، اصلاح و تقویت بعضی فرهنگ‌ها و ارائه تعالیم اسلامی و پیاده کردن آن، تحولی شگرف در اجتماع به وجود آوردند. از این رو، توجه حضرت به ارزش‌های انسانی، رعایت عدالت اجتماعی و رواج ارزش‌های دینی، سبب تغییر ماهوی جامعه عربی گردید. در این نوشتار، بر آنیم تا به اختصار مهم‌ترین نکات مربوط به سیره اجتماعی رسول خدا ﷺ را بررسی و تبیین نماییم.

---

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

## ۱. توجه به ارزش‌های انسانی

ارزش ذاتی انسان، بدون توجه به رنگ، نژاد، جنس، زبان و حتی دین افراد، در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. خداوند، تمام فرزندان آدم را کرامت بخشیده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»<sup>۱</sup> علامه طباطبایی رحمته الله این آیه را بر همه انسان‌ها اطلاق کرده و می‌گوید: مراد این آیه، بیان حال جنس بشر است؛ صرف نظر از کرامت‌های خاص و فضایل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده است.<sup>۲</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین ارزش ذاتی بشر را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «ما شئاً أكرمُ على الله من ابنِ آدم»<sup>۳</sup> هیچ چیز نزد خدا، گرامی‌تر از فرزند آدم نیست. این مهم علاوه بر گفتار پیامبر، در سیره حضرت نیز به خوبی نمایان است؛ وجود افراد مختلف از نژادها و زبان‌ها و ملیت‌های متعدد در میان یاران حضرت محمد صلی الله علیه و آله، گویای توجه نبی رحمت به کرامت ذاتی انسان است.

## ۲. اهتمام به مشارکت زنان

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در جامعه‌ای به رسالت برانگیخته شد که برای زن ارزشی قائل نبودند. زن در عصر جاهلی، شهروندی درجه دو به شمار می‌رفت و در خدمت مرد بود و همچون دیگر کالاها دست به دست می‌شد. ابن عباس می‌گوید: در جاهلیت پس از مرگ شوهر، زن همچون کالایی به خویشاوندان دیگر می‌رسید. اگر می‌خواستند، یکی از آنان با او ازدواج می‌کرد؛ وگرنه او را به دیگری تزویج کرده و گاهی نیز او را از

۱. اسراء، آیه ۷۰: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و

از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، میزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ

پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۲۱۴.

۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۲۲.

ازدواج منع می‌نمودند.<sup>۱</sup> آیه ۱۹ سوره نساء به این نکته اشاره نموده و این رسم جاهلی را تحریم کرده است.<sup>۲</sup> امام باقر علیه السلام این آیه را درباره مردی می‌داند که زنش را زندانی کرده و منتظر مرگش می‌ماند تا وارث اموال او گردد.<sup>۳</sup> خلیفه دوم نیز در این باره می‌گوید: «كُنَّا فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَا نُعِدُّ النِّسَاءَ شَيْئاً؛<sup>۴</sup> ما در جاهلیت، زنان را چیزی به حساب نمی‌آوردیم.»

طلاق و سرنوشت زن، پس از آن نیز در اختیار مرد بود و زن بدون اجازه شوی سابقش، حق ازدواج با مرد دیگری نداشت و گاهی مرد با گرفتن مالی از همسر مطلقه سابق خود، به او اجازه می‌داد با مرد دیگری ازدواج کند.<sup>۵</sup> گاه برادر و یا حتی فرد دیگری از بستگان (اقوام و خویشان) زن، مانع ازدواج مجدد او می‌شدند؛ چنان‌که گفته شده فردی به نام معقل بن یسار پس از آن‌که خواهرش از شوی خود عاصم بن عدی طلاق گرفت، مانع ازدواج مجدد آن‌ها شد.<sup>۶</sup> بیشتر زنان، از ارث محروم بودند؛<sup>۷</sup> در حالی که پسرخوانده میت از او ارث می‌برد.<sup>۸</sup> زن، حق مالکیت مهریه خود را نداشت و

۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش، ج ۵، ص ۹۴.
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را به‌اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگ‌شان به در] برید؛ مگر آن‌که مرتکب زشت‌کاری آشکاری شوند و با آن‌ها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوش‌تان نیامد، پس، چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.»
۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۹.
۴. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۶۹.
۵. همان، ص ۵۵۲.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۲۸.
۷. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، جامعه بغداد، چاپ دوم، ۱۹۹۳م، ص ۵۶۶.
۸. همان، ص ۵۶۷.

پدر یا سرپرست او، مهرش را تصاحب می‌کرد و اگر هم در اختیار زن قرار می‌گرفت، به بهانه مخارج ازدواج، از او می‌گرفتند.<sup>۱</sup>

### - مشارکت سیاسی و اجتماعی

زنان که تا پیش از ظهور اسلام، حقی در جامعه نداشتند، با حمایت رسول خدا ﷺ و تأکید آیات قرآن، به مشارکت در جامعه پرداختند. توجه حضرت محمد ﷺ به مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، اختصاص به عصر حاکمیت پیامبر در مدینه نداشته و در آغاز ظهور اسلام و در مکه نیز چنین اهمیتی دیده می‌شود؛ نمونه بارز آن را می‌توان در همراهی حضرت خدیجه رضی الله عنها با رسول خدا ﷺ از لحظه‌های آغازین بعثت تا دوران طاقت‌فرسای شعب ابی‌طالب و هجرت زنان مسلمان به حبشه و مدینه مشاهده کرد.

### \* هجرت زنان:

یکی از مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی مسلمانان که حفظ و گسترش اسلام را در پی داشت، هجرت بود که در سه مرحله و به دو سرزمین متفاوت انجام گرفت؛ دو مرحله به حبشه و یک مرحله نیز به یثرب که بعد از هجرت پیامبر ﷺ، «مدینه النبی» نام گرفت. هجرت به حبشه، در دو مرحله صورت گرفت؛ مهاجران نخستین، هفده تن بودند که چهار زن از جمله رقیه، دختر پیامبر و ام سلمه نیز در میان‌شان بود.<sup>۲</sup> در هجرت دوم به حبشه که زمان آن به طور دقیق مشخص نیست، تعداد بیشتری از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی‌طالب، در حالی که حدود هجده نفر زن نیز همراه آنان بودند، به حبشه رفتند.<sup>۳</sup> زن‌هایی چون: اسماء دختر عمیس همسر جعفر بن ابی‌طالب، فاطمه دختر صفوان و ام حبیبه دختر ابوسفیان که بعدها به همسری رسول

۱. همان، ص ۵۳۱.

۲. همان، ص ۳۲۲.

۳. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دار المعرفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۲۰۶.

خدا ﷺ درآمد، از چهره‌های بارز زنان مهاجر به حبشه بودند.<sup>۱</sup> در هجرت به مدینه هم، زنان حضور فعالی داشتند. آنچه در این هجرت بر اهمیت حضور زنان می‌افزود، این بود که با وجود تحمل سختی فراوان در این راه، رسول خدا ﷺ، نه تنها زنان را از هجرت منع نکردند، بلکه گاه به دستور خداوند امتیازهای ویژه‌ای برای زنان مهاجر در نظر گرفتند؛ چنان‌که پس از صلح حدیبیه که بر اساس برخی مفاد آن، اگر کسی از تازه‌مسلمانان مکه به مسلمانان مدینه پناه می‌برد، می‌بایست به مشرکان بازگردانده می‌شد. رسول خدا ﷺ نیز به این پیمان پای‌بند بودند؛ چنان‌که ابوجندل، فرزند سهیل بن عمرو را که بلافاصله پس از امضای پیمان‌نامه، به مسلمانان پناه بُرد، به آنان بازگرداند،<sup>۲</sup> اما زنان مسلمان از این حکم استثنا شدند که آیه دهم سوره ممتحنه به این نکته اشاره فرموده و از پیامبر ﷺ و مسلمانان می‌خواهد زنان مسلمانی را که از دست مشرکان گریخته و به مسلمانان پیوسته‌اند، امتحان کند و اگر بر اساس ایمان این کار را کرده‌اند، آن‌ها را به مشرکان برنگرداند.<sup>۳</sup>

### \* بیعت زنان:

بیعت، نیز یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضور زنان در عصر نبوی بود. حضور زنان در بیعت عقبه<sup>۴</sup> و بیعت‌های متعدد زنان مدینه با رسول خدا ﷺ،<sup>۵</sup> گواه این مدعا است. گاهی نیز در وقایع خاص، همراه مردان بیعت می‌کردند؛ چنان‌که در بیعت رضوان، عده‌ای از زنان مسلمان، از جمله: ام سلمه همسر رسول خدا ﷺ، ام عماره، ام منیع و ام عامر اشهلیه، حضور داشتند.<sup>۶</sup>

۱. همان.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳. ممتحنه، آیه ۱۰.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، پیشین، ج ۲، ۴۶۶؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۳۰۴-۳۰۶.

۵. ابن هشام، السیره النبویه، پیشین، ج ۲، ص ۱۲.

۶. واقدی، محمد بن عمر، مغازی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۵۷۴؛ مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسسی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۲۷۶.

مهم‌ترین و معروف‌ترین بیعت زنان در دوره مدنی، «بیعت نساء» بود که پس از فتح مکه در سال هشتم و در این شهر انجام گرفت. رسول خدا ﷺ با توجه به جایگاه ویژه‌ای که برای زنان قائل بودند، آن‌ها را به صورت جداگانه به بیعت فرا خواندند. ایشان پس از پاک‌سازی کعبه از بت‌ها و بیعت با مردان، زنان را برای بیعت دعوت کردند. زنان هم در حالی که پیامبر بر بالای کوه صفا بود، برای بیعت نزد ایشان رفتند.<sup>۱</sup> مفاد این بیعت را خداوند چنین بیان کرده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup> ای پیامبر! اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند تا بیعت کنند، بدین شرط که هیچ کس را با خدا شریک نکنند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و فرزندی را که از آن شوهرشان نیست، به دروغ به او نسبت ندهند و در کارهای نیک نافرمانی تو نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای‌شان از خدا آمرزش بخواه، که خدا آمرزنده و مهربان است.»

این فراخوانی و حضور اختصاصی زنان و شیوه و مفاد بیعت آنان، بیانگر اهتمام خاص پیامبر به مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها است. یکی دیگر از امتیازهای اجتماعی زنان در عصر نبوی، پذیرش امان و حق پناهندگی (جوار) آنان بود. حق جوار، از رسوم قدیمی عرب‌ها بود که مورد تأیید اسلام هم قرار گرفت و بر اساس آن، افرادی که احساس خطر می‌کردند، خود را در پناه فرد دیگر قرار می‌دادند. پذیرش امان زینب، دختر رسول خدا ﷺ که همسرش ابوالعاص بن ربیع امان را داد<sup>۳</sup> و یا قبول پیشنهاد ام حکیم، دختر حارث بن هشام که خود تازه مسلمان شده بود، برای شوهرش عکرمه بن ابی‌جهل که به دلیل دشمنی با پیامبر و از ترس انتقام فرار کرده و از مکه گریخته بود، تقاضای امان کرد و پس از قبول پیامبر ﷺ، او را بازگرداند.<sup>۴</sup> ام‌هانی، دختر ابوطالب نیز

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۹، ص ۴۵۶.

۲. ممتحنه، آیه ۱۲.

۳. واقدی، مغازی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۳۳.

۴. واقدی، مغازی، پیشین، ص ۸۵۱.

از زنانی بود که هنگام فتح مکه، دو نفر از بنی مخزوم به نام‌های «حارث بن هشام» و «زهیر بن ابی‌امیه» را پناه داد و رسول خدا ﷺ حق پناهندگی او را محترم شمرد.<sup>۱</sup>

### ۳. توجه به جوانان

رسول خدا ﷺ در جامعه‌ای برانگیخته شد که جوانان، اجازه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نداشتند و برای حضور در مجامع عمومی، باید به سن بالایی می‌رسیدند؛ چنان‌که شرط حضور در «دار الندوة»<sup>۲</sup> چهل سالگی بود. حضرت محمد ﷺ با برهم زدن سنت‌های جاهلی، ملاک برتری را تقوا و شایستگی دانسته و با کنار نهادن سنت‌های غلط جاهلی، جوانان را در امور مختلف مشارکت دادند. از مهم‌ترین نقش‌های جوانان در این دوره، می‌توان به حضور آنان در مناصب حکومتی، فرماندهی نظامی، کتابت و دبیری و مشورت در امور مختلف اشاره کرد.

عتاب بن اسید، جوان بیست‌ساله‌ای بود که رسول خدا ﷺ او را به عنوان والی مکه منصوب کرد.<sup>۲</sup> معاذ بن جبل را که او هم بیست سال داشت، به عنوان سفیر نزد منذر بن ساوی به سوی بحرین فرستاد.<sup>۳</sup> نمونه بارز استفاده از جوانان در حکومت نبوی، حضور امیر مؤمنان، علی رضی الله عنه در مناصب مختلف است. پیامبر ﷺ در طول حیات پربار خود، امور مهمی را چون: وظایف سنگین حکومتی، قضایی، نظامی، کتابت و امور اطلاعاتی و خبرگیری از دشمن را به امام علی رضی الله عنه واگذار کرده و همواره از وجود ایشان به عنوان مشاور و امین بهره می‌بردند.

### ۴. تواضع و فروتنی

یکی از ویژگی‌های اخلاقی رسول خدا ﷺ که محبت، دوستی و نفوذ روزافزونی برای ایشان به همراه داشت، تواضع و فروتنی آن حضرت بود. تواضع پیامبر ﷺ، به گونه‌ای

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۱؛ ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری، أسد الغابة فی

معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. عسقلانی، ابن حجر، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت:

دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۵ق/۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۴۵۱.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۳.

بود که افراد تازه‌وارد به مدینه را شگفت‌زده می‌کرد؛ به طوری که افراد ناآشنا و تازه‌وارد به جمع مسلمانان نمی‌توانستند پیامبر را در جمع یارانش بشناسند و یا کسانی که رفتار شاهان و سلاطین را دیده بودند، با مشاهده رفتار آن حضرت، دچار حیرت می‌شدند؛ چنان‌که فرد عربی را که به‌تازگی وارد مدینه شده بود و از هیبت آن حضرت می‌ترسید، نزد خود فرا خواند و دست بر شانه‌اش گذاشت و فرمود: «هُوَ عَلَيْكَ فَلَسْتُ بِمَلِكٍ، فَأَيُّ بِنِ إِمْرَأَةٍ كَانَتْ تَأْكُلُ الْقَدِيدَ بِمَكَّةَ؟<sup>۱</sup> بر خودت آسان بگیر. من شاه نیستم؛ من پسر زنی هستم که در مکه از گوشت خشکیده تغذیه می‌کرد.»

حضرت محمد ﷺ در روایتی خطاب به ابوذر، صفات فروتنان را چنین بیان می‌فرماید: «ای ابوذر! متواضع، کسی است که بدون این‌که نقص و ضعفی داشته باشد، برای رضای خداوند فروتنی می‌کند و بدون این‌که محتاج باشد، خود را از دیگران فروتر بداند.»<sup>۲</sup>

## ۵. عطوفت و مهربانی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبر ﷺ، عطوفت و مهربانی ایشان بود که همه افراد جامعه را در بر می‌گرفت؛ افراد خانواده، یاران، کودکان، پیران، جوانان و حتی دشمنان و منافقان هم مورد لطف آن حضرت بودند؛ به طوری که مشرکان قریش نیز که دشمن حضرت بودند، از این خصلت رسول خدا ﷺ بهره‌مند شدند و با وجود آزار و اذیتی که نسبت به آن بزرگوار روا داشتند، مورد لطف و دعای آن حضرت قرار گرفتند؛ چنان‌که پس از غزوه احد و در پاسخ عده‌ای از یارانش که خواهان نفرین مشرکان قریش بودند، فرمود: «إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ لِعَانًا وَ لَكِنِّي بُعِثْتُ دَاعِيًا وَ رَحْمَةً، اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛<sup>۳</sup> من برای لعن و نفرین برانگیخته نشده‌ام؛ بلکه برای دعوت به حق و رحمت برانگیخته شده‌ام. خدایا! قوم مرا هدایت کن؛ چرا که آنان نمی‌دانند.»

۱. همان، ص ۲۱.

۲. طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش، ص ۴۷۱.

۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار الرائد العربی، ص ۲۵۹۹.



## ۶. عفو و گذشت

یکی از ویژگی‌های پیامبر ﷺ، بخشش و گذشت خطای دیگران بود. این رفتار رسول خدا ﷺ، دوستان و یاران و حتی دشمنان را شامل می‌شد. هنگام فتح مکه، یکی از فرماندهان سپاه مسلمانان، در حالی که با یادآوری ستم مشرکان در اندیشه انتقام بود، چنین رجز می‌خواند: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ الْيَوْمَ تُسْتَحَلُّ الْحُرْمَةُ؛<sup>۱</sup> امروز، روز نبرد شدید است. امروز، حرمت [اهل مکه] حلال شمرده می‌شود.» با شنیدن این سخن، پیامبر ﷺ پرچم را از وی گرفته و فرمود: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَرْحَمَةِ.»<sup>۲</sup> همچنین پس از فتح مکه و در حالی که بسیاری از ساکنان مکه انتظار انتقام داشتند و از آن می‌ترسیدند، پیامبر ﷺ آنان را بخشید و با اعلام عفو عمومی فرمود: «إِذْهَبُوا فَاتِمُّوا الطَّلَاقُ؛ بروید که همه شما آزادید.»<sup>۳</sup>

بخشش پیامبر رحمت، حتی دشمنانی که آزار و اذیت‌های فراوانی در حق او و یارانش روا داشته و یا عزیزان آن حضرت را از او گرفته بودند، در بر گرفت؛ چنان‌که حتی وحشی (قاتل حمزه سید الشهداء) که پس از فتح مکه و از ترس مجازات گریخته بود نیز از رحمت نبوی برخوردار گردید. او با شنیدن این خبر که پیامبر هر کس را که مسلمان شود، به قتل نمی‌رساند، نزد حضرت رفت و اظهار اسلام کرد. پیامبر ﷺ با دیدن او و پس از شنیدن ماجرای شهادت حمزه از زبان وحشی، او را بخشید و به او فرمود: «خودت را از من پنهان کن تا تو را نبینم.»<sup>۴</sup>

## ۷. برقراری عدالت

عدالت، یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ارزش‌های والای انسانی و مورد توجه همه ادیان و جوامع انسانی بوده و استقرار عدالت در جامعه، از مهم‌ترین اهداف و مأموریت‌های

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، چاپ دوم،

۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م، ج ۳، ص ۵۷؛ ابن هشام، السیرة النبویة، پیشین، ج ۴، ص ۸۶۵.

۲. واقدی، مغازی، ج ۲، ص ۸۲۲.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰.

۴. ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی،

بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۶۵.

انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ معرفی شده است. خداوند در قرآن کریم بر این نکته تأکید کرده و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup> ما پیامبران خود را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند.»

در اسلام تأکید ویژه‌ای بر اجرای عدالت شده و قرآن مجید یکی از اهداف حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را اجرای این مهم در جامعه بیان فرموده است: «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»<sup>۲</sup> و بگو: به کتابی که خدا نازل کرده است، ایمان دارم و به من فرمان داده‌اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم.» این دستوره‌های الهی، در حالی بود که جامعه در دوران پیش از بعثت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، گرفتار نابرابری اجتماعی بود و اشراف و ثروت‌مندان، از امتیازهای فراوانی برخوردار بودند و ستم‌های بسیاری به مردم روا می‌داشتند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر اساس مأموریت خویش، ضمن مخالفت با این طبقه‌بندی، انسان‌ها را برابر دانسته و فرمودند: همه انسان‌ها از زمان آدم تاکنون، مثل دندانه‌های شانه با هم برابرند.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن مخالفت با ارزش‌های جاهلی، ملاک برتری انسان‌ها را تقوا معرفی کرده و خواسته برخی از افراد صاحب‌نفوذ را که اسلام آوردن خود را به دوری آن حضرت از مسلمانان فقیر مشروط می‌کردند، نپذیرفتند. ایشان در زمانی هم که قدرت‌های مشرکان را در هم شکسته و مکه نیز به تصرف مسلمانان در آمد و قبیله‌های مهم به اسلام گرویده و تسلیم شدند، همان روش روزهای سخت عصر مکی را تکرار کرد و در روز فتح مکه فرمود: «ای مردم! خداوند خودبزرگ‌بینی و افتخار کردن جاهلی به پدران را از بین برد. آگاه باشید! همه شما از آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ هستید و آدم از خاک. بدانید! برترین بندگان خدا، بنده‌ای است که تقوا پیشه کند.»<sup>۳</sup>

۱. حدید، آیه ۲۵.

۲. شوری، آیه ۱۵.

۳. «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخُرَهَا بِأَبَائِهِمْ؛ إِنَّكُمْ مِنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آدَمُ مِنْ طِينٍ. أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ عَبْدٌ إِتْقَانٌ» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۶).

سیره پیامبر ﷺ نشان‌دهنده اهتمام حضرت به اجرای عدالت، حتی در کوچک‌ترین امور است؛ به گونه‌ای که ایشان حتی نگاه خود را نیز به تساوی میان اصحاب و حاضران تقسیم می‌نمود و در نگاه کردن به آنان، عدالت را رعایت می‌کرد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقْسِمُ لِحَفَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ يَنْظُرُ إِلَى ذَا وَ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسُّوْبَةِ؛<sup>۱</sup> رسول خدا لحظات [و نگاه‌های] خود را میان اصحاب تقسیم می‌کرد؛ گاهی به این، و زمانی به آن، به طور مساوی نظر می‌افکند.» در باب رفتار آن حضرت نیز آمده است که نسبت به افرادی که با او نشسته بودند، یکسان برخورد می‌کرد تا دیگری گمان نکند که از او بیشتر مورد احترام پیامبر است.

## ۸. ایجاد وحدت در جامعه

وحدت، یکی از عناصر حیاتی هر جامعه به شمار می‌رود. در سایه وحدت است که سایر مؤلفه‌های یک جامعه آرمانی اسلامی پدید می‌آید و در صورتی که جامعه‌ای فاقد وحدت و یکپارچگی باشد، حیات آن به خطر افتاده و دشمنان طمع سلطه بر آن را در اندیشه می‌پروراند.

پیامبر ﷺ با توجه به این مهم، برای ایجاد وحدت در جامعه تلاش می‌کردند. از این رو، اموری مانند: اختلاف‌زدایی، سفارش به حفظ وحدت، برادری و ایجاد همبستگی، از مؤلفه‌های مورد نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت به یثرب، با جامعه‌ای مواجه شدند که قبایل مختلف با طبقات، سلايق و گرایش‌ها و طرز فکرها و آیین‌های متفاوت بودند و با توجه به تأسیس حکومت و لزوم اتحاد در درون این دولت، برای ایجاد وحدت در جامعه تلاش نمودند؛ چنان‌که ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، همراه با عقد قراردادهایی بین گروه‌های گوناگون بود. این پیمان‌ها را می‌توان یکی از بارزترین نمونه‌های توجه حضرت به وحدت در جامعه برشمرد.

پیمان‌نامه عمومی مدینه، یکی از مهم‌ترین این پیمان‌ها بود که میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبایل موجود یثرب بسته شد. این پیمان که می‌توان آن را «نخستین قانون اساسی مدینه»

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۷۱.

دانست، بهترین راهکار برای به وجود آوردن وحدت ملی و همبستگی اجتماعی بود؛ چرا که وحدت میان قبایل، سلامت و همدلی پیروان ادیان مختلف را ضمانت می‌کرد و مقدمات شکل‌گیری وحدت سیاسی را فراهم می‌نمود.

پس از پیمان‌نامه عمومی، تحکیم وحدت میان مسلمانان ضروری بود؛ امری که پیشینه رقابت میان مکّیان و یثربیان، آن را به شدت تهدید می‌کرد. رسول خدا ﷺ برای جلوگیری از به وجود آمدن بحران، ابتکار دیگری به کار بردند و آن، ایجاد پیوند برادری (اخوت) میان مسلمانان بود؛ به این ترتیب که میان هر یک از مهاجران با یکی از انصار، پیمان برادری برقرار کرده و فرمودند: «تأخوا فی الله اخوین اخوین». آن‌گاه حضرت علی رضی الله عنه را برادر خود خواند.<sup>۱</sup>

پیمان برادری، کارآمدترین ابزار تحقق الفت فراگیر در مدینه آن زمان و نشان‌دهنده کوشش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تحقق اجتماعی بالنده بر محور ایمان به خدا و وحدت بود.

## ۹. وفای به عهد

پای‌بندی به عهد و پیمان و التزام عملی به قراردادهای، ضامن حفظ منافع جمعی و تأمین نیازهای عمومی است و استقرار عدالت اجتماعی، بدون رعایت عهد و میثاق و قراردادهای اجتماعی، امکان‌پذیر نیست و پیمان‌شکنی، با تقوا و پارسایی و فطرت انسانی سازگار نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این مهم را مورد توجه قرار داده و سیره و سخن آن حضرت بر پاس داری از عهد و میثاق و تلاش برای تحقق وعده‌ها تأکید دارد و بهترین الگو در این زمینه است. ایشان، بی‌وفایی نسبت به عهد و پیمان را نشانه بی‌دینی معرفی کرده و فرمودند: «لا دینَ لِمَن لا عَهْدَ لَهُ»<sup>۲</sup> کسی که پیمان ندارد، دین ندارد.» حضرت محمد صلی الله علیه و آله

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، پیشین، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تحقیق: ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی،

چاپ سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۹۷.

در جای دیگر، نقض پیمان را سبب سلطه دشمنان دانسته و فرمودند: «إِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ»<sup>۱</sup> و وقتی پیمان‌ها را بشکنند، خداوند دشمن آنان را بر ایشان مسلط می‌کند. ایشان در جای دیگر خود را شاکی از پیمان‌شکنان معرفی کرده و فرمودند: «مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ اتَّقَصَهُ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ فَإِنَّا حَاجِبِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۲</sup> هر کس بر عهدکننده ستم کند، یا حق او را ندهد، یا چیزی بیش از توانش بر وی تحمیل کند و یا به نارضایتی چیزی از وی بستاند، روز قیامت من طرف حساب و شاکی او خواهم بود.»

این مهم، در سیره نبوی به خوبی نمایان است؛ به طوری که رسول خدا ﷺ همه پیمان‌ها را رعایت نموده و حتی نسبت به مشرکان نیز نقض پیمان نمی‌کردند؛ چنان‌که در جریان صلح حدیبیه و در حالی که هنوز در محل گفت‌وگو بودند، پسر سهیل بن عمر که مسلمان شده بود، به مسلمانان پناه برد؛ اما رسول خدا ﷺ بر اساس تعهدی که داده بودند، او را به مشرکان بازگرداندند.<sup>۳</sup>

## نتیجه

از آنچه بیان شد در می‌یابیم که حضرت محمد ﷺ بر اساس مأموریت الهی خویش ضمن مخالفت با سنت‌های غلط جاهلی، جامعه را با توجه به ارزش‌های انسانی و الهی هدایت کرده و سیره اجتماعی آن حضرت بیانگر اهتمام ایشان به این مهم است. رسول خدا ﷺ با کنار زدن سنت‌های غلط جاهلی و توجه به ارزش‌های دینی و کرامت انسانی، گذشت و مهربانی، رفع تبعیض طبقاتی و جنسیتی، اهمیت دادن به نقش زنان و جوانان در جامعه و توجه به حقوق آنان و رفع تبعیض و بی‌عدالتی تغییرات ماهوی در اجتماع آن زمان به وجود آوردند و جامعه‌ای جدید برپا کردند. ایشان با ایجاد وحدت در جامعه و پای‌بندی به عهد و پیمان‌ها روش جدیدی در عرصه سیاسی اجتماعی آن دوران به نمایش گذاشتند.

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۴.

۲. ری شهری، میزان الحکمة، پیشین، ص ۱۶۳.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، پیشین، ج ۲، ص ۷۶.